

## نقش هرات در اقتصاد افغانستان

هرات در در طول تاریخ همیشه موقعیت سوق الجیشی داشته و از نگاه اقتصادی و فرهنگی بسی مشهور بوده است. هرویان در دوره‌های اوستایی، مادها، هخامنشی و ساسانی زندگی ده نشینی و شهری را به سبک کلاسیک تجربه کردند. پس از انتشار اسلام در قلمرو خراسان قدیم هرات باز به مرکز فعالیت‌های اقتصادی، تجارت، فرهنگ و تمدن تبدیل شد و هرویان در شکلهی و شیرازه بندی مدنیت مختلط اسلامی نقش متبارزی داشتند. این اهمیت ستراتیژیک در ادوار دولت های مستقل خراسانی نیز ادامه پیدا کرد؛ لیکن پس از فروپاشی امپراتوری تیموریان دوره طولانی بحران سیاسی و اقتصادی، انحطاط و اضمحلال فرهنگی و تمدنی این خطه باستانی آغاز گردید.

هرات در بستر تاریخ در مسیر شاهراه ابریشم واقع بوده و اهمیت ترانزیتی و تجارتي بارزی داشته است. این خطه باستان به مثابه قلب خراسان بزرگ در ادوار دولت‌های مستقل خراسانی در بین بلخ، نیشابور و ماوراءالنهر بسیار مشهور بوده است. پس از سقوط امپراتوری پهنور تیموریان دوره طولیالمدت تقسیم، تجزیه، اغتشاش و خانه جنگی‌ها آغاز شد. جنگ و کشاکش در بین صفویان ایران جدید و شیبانیان ماوراءالنهر از ارزش ترانزیتی هرات کاست. پس از تشکیل دولت ابدالی در افغانستان، به سبب رقابت‌های خونین قومی، قبایلی و خانه‌جنگی‌های هستی‌سوز داخلی و جنگ و درگیری‌های پیهم در میان ابدالیان و قاجاریان ایران از یک طرف و تجزیه، ناامنی و بی‌ثباتی‌های دوامدار در حوزه خراسان بزرگ کزشته از طرف دیگر هرات را در تنگنا محدود محلی گرفتار کرد. راه قدیم ابریشم و خطوط ارتباطی در بین ارکان عمده خراسان قدیم که هرات روزگاری قلب تپنده آن بود، به کلی دستخوش مشکلات و گسستگی گردید.

در دوره طولانی ظاهرشاه که مردم میهن با لولویی‌های خواب‌آور سلطنتی در خواب صبور فرو رفته و کشور در بین دو قطب متباین شرق و غرب در طلسم سکوت و سکون سنگی گرفتار شده بود؛ فرصت متبارزی برای ارزش و اهمیت ترانزیتی ولایت هرات فراهم نگردید. در دوره کوتاه جمهوری محمد داوود نیز کدام تغییر اساسی در این زمینه به میان نیامد. پس از کودتای هفتم ثور ۱۳۵۷ شمسی اگر چه هرات در چنگ میکانیزم جنگی افتاد و بحران و ناامنی ارزش ترانزیتی هرات را تحت‌الشعاع قرار داده بود؛ اما موجودیت بندر تورغندی در مرز هرات ترکمنستان و بندر اسلام قلعه در سرحد هرات ایران برای دولت کابل ارزش حیاتی داشت. در دوره مجاهدین و طالبان نیز اهمیت بندری هرات و عواید گمرکات آن بسیار چشمگیر بود. پس از سقوط طالبان هم این عواید مالیاتی و گمرکی سیر صعودی داشته و همواره خزانه دولت کابل و خریطه جیب‌های دزدان دولتی، اختلاسگران و رشوه‌خواران زیادی را پر کرده است.

در سده‌های اخیر به سبب اغتشاشات، خانه‌جنگی‌ها و ناامنی‌های داخلی و اوضاع ناآرام منطقه و یورش‌های همسایگان فرصتی برای بازسازی و احیای ظرفیت‌های ترانزیتی و خطوط ارتباطی هرات با حوزه های داخلی و خارجی میسر نشد. در حال حاضر شاهراه هرات اسلام قلعه در مرز افغانستان ایران و شاهراه هرات تورغندی در سرحد افغانستان ترکمنستان اسفالت می‌باشد. شاهراه هرات قندهار اگرچه اسفالت است؛ اما به سبب مداخلات پاکستان و حمایت از طالبان آدمخوار ناامن می‌باشد. راه هرات کابل از مسیر نقاط مرکزی کشور (ولایت غور، بامیان...)، شاهراه حلقوی هرات شمال از مسیر ولایت بادغیس و فاریاب تاهنوز اسفالت نشده است. تنها قسمتی از شاهراه هرات بادغیس (در ساحت هرات) پخته گردیده است. دولت‌های مرکزی هرچند همیشه از عواید مالیاتی و گمرکی مردم هرات استفاده زیاد کردند؛ اما از گسترش ظرفیت‌های انکشافی هرات در ابعاد گوناگون از جمله تجارتي و ترانزیتی جلوگیری کرده و این ولایت را در انزوا نگهداشته اند.

هرات در درطول تاریخ با ظرفیت‌های ترانزیتی و خصوصیت های بندری همیشه برای کارهای تجارتی مساعد بوده است. تاجران هرات در قرن جاری اگرچه همیشه مورد بی‌مهری سران دولت مرکزی بودند؛ لیکن با استعداد فطری و تجارب تاریخی در سطح کشور خوش درخشیده اند. در عهد پادشاهی ظاهرخان تاجران هرات در تأسیس نخستین بانک افغانستان و توسعه فعالیت‌های بانکی نقش اساسی داشتند. بعد از کودتای هفتم ثور ۱۳۵۷ شمسی به سکتور خصوصی ضربات کاری وارد شد. تعداد زیادی از تاجران به سبب سختگیری‌های دولت کابل، جنگ و ناامنی به کشورهای خارجی خاصه ایران مهاجر شدند. تجارت به رکود مواجه گردید.

در ادوار مجاهدین و طالبان هم برای تاجران هراتی فرصت‌های لازم مساعد نگردید. در دوره جاری هرچند از اقتصاد بازار آزاد صحبت می‌شود؛ اما انارشیزم مافیایی و حلقه محدود انحصاری مافیای اقتصادی در معامله با مافیای قدرت و سران آلوده به فساد دولت کابل هر نوع رشد و انکشاف واقعی را از تاجران ملی و طبقه متوسط داخلی ربوده است. تجارت در دهه اخیر متکی به واردات کالاهای مصرفی بوده و اقتصاد مصرفی وابسته در حقیقت جلو رشد و توسعه تولیدات داخلی و صادرات را به کلی گرفته است. این چرخه مافیایی و فاسد شده اقتصاد مصرفی و تجارتی متکی به واردات دیگر از کار افتاده و نفس تاجران ملی، دوکانداران و معامله‌گران بازار هرات به لب رسیده است.

هرات از گذشته ها به زراعت و مالداری متکی بوده است. گویند که زرتشت مردم را به زراعت و پرورش حیوانات اهلی تشویق می‌کرد و هرات در آن روزگاران شاد و خرم بود. در روزگار تاریخی و در عهد اسلامی هرات یکی از مراکز مهم مدنیت بوده و زراعت در آن رشد و انکشاف شایانی داشته است که می‌توان از ادوار طاهریان، صفاریان، سامانیان، غزنویان، غوریان، سلجوقیان، کرتها و تیموریان یادآوری کرد. در دوره تیموریان هرات به مرکز عمده زراعت و باغداری تبدیل شد. آب‌های جاری و زیر زمینی با مهارت و دانش کلاسیک مهار و در جویها و کاریزها به راه افتاد. در حصه زمین و آب قوانین منظمی تدوین شد. کتبی در باره کشت و زراعت تألیف گردید.

پس از سقوط امپراتوری تیموریان دوران طولانی رکود اقتصادی و زراعتی فرا رسید و زیربنای اقتصادی هرات (این تختگاه امپراتوری تیموری) در زیر سم ستوران جنگ افروزان و اغتشاشات داخلی و تجاوزات بیرونی نیست و نابود گردید. اگر از محدود اصلاحات سطحی قرن جاری بگذریم، تاکنون زراعت و مالداری هرات بر مبنای همان زیربنای گزشته فروپاشیده و فرسوده اتکاء دارد. در شبکه آبیاری، وسایل و شیوه تولید، مناسبات اجتماعی در دهها و سطح حاصلدهی اصلاحات و تحولات اساسی پدید نیامده است. علاوه برآن در دهه اخیر با رشد سرطانی اقتصاد مصرفی، واردات کالاهای زراعتی و رشد پیش از وقت شهر هرات به زراعت و مالداری ضربات شدید و کشنده یی وارد گردید. دهقانان از فقر و بیچارگی به شهر هجوم آوردند. مالکان ارضی به شکست روبرو شده و در لابلای اقتصاد مصرفی شهر نیست و نابود شدند.

حالا با به بن بست رسیدن اقتصاد مصرفی\_ مافیایی به اصطلاح بازار آزاد، با شهری مصرفی (که در واقع به مانند بیماری متورم در بستر افتاده است)، زراعت و مالداری را کم و تضعیف، دهکده‌های ویران و ناامن، دهقانان و مالکان ارضی ورشکسته روبرو هستیم. با یک نگاه سرسری به اقتصاد و منابع تولید و درآمد کشور از جمله ولایت هرات درمی‌یابیم که نفس‌های تن بیمار اقتصاد مصرفی به کمک‌های خارجی وابسته است و شبکه فاسد و مصرفی اداری و دولتی بدون این کمک‌ها فرومی‌پاشد. در کشور عقب‌مانده و دچار فقر اقتصادی و فرهنگی چون افغانستان زراعت و مالداری منبع مهم و بنیادی اقتصاد ملی محسوب می‌شود.

در هرات کنونی سکتور زراعت و مالداری در واقع مساعدترین منبع تولید مواد خام برای صنعت، بهترین تولید کننده اقلام جهت رشد و توسعه صادرات و ساده ترین بستر برای اشتغال نیروهای بیکار محسوب می‌گردد. بدون رشد و انکشاف این سکتور رهایی از چنگ بحران رکودآفرین اقتصادی و امنیتی جاری ناممکن است. رشد و انکشاف زراعت ضرورت به کمک‌های دولتی و سببیدی‌های لازم دارد. در کشورهای پیشرفته و عقب‌مانده به زراعت کمک می‌شود. بدون این کمک‌ها زارعان و مالکان ارضی در سطح ملی و تجارت منطقوی نمی‌توانند در برابر هجوم واردات کالاهای مصرفی کشورهای مختلفه مقاومت کنند.

بخشهای عمده دیگری که در هرات قابل توجه می‌باشند، سکتورهای صنعت و معادن اند. در گام‌های نخستین در هرات در بستر رشد و انکشاف سکتور زراعت و مالداري زمينه برای صنایع مرتبط با زراعت و مالداري مساعد شده می‌تواند. در دهه اخیر طرح ایجاد و گسترش صنایع در هیئت شهرک صنعتی هرات که بدون رشد و انکشاف زراعت به راه افتاد، به نتیجه مطلوب نرسید. در ابتدا پول‌های بادآورده موادمخدر و کمک‌های خارجی تاحدودی شور و شوق کاذب خلق کرد و مافیای اقتصادی و زمینخواران درآمدهای هنگفتی به چنگ آوردند؛ اما حالا در این آشفته بازار مافیایی، فساد روزافزون رایج و ناامنی‌های وارداتی، رکود و سقوط شهرک صنعتی مذکور به کلی آشکار شده است. رشد و توسعه صنعت نه تنها به رشد و انکشاف زراعتی نیاز دارد؛ بلکه در پهلوی امنیت و مصونیت‌های حقوقی و قانونی به زیربنای لازم و کافی اقتصادی و بازار فروش ضرورت می‌داشته باشد.

هرات از نگاه منابع معدنی نیز غنی می‌باشد. در هرات معادن زغال سنگ، نمک، سمنت، سنگهای تزئینی و تعمیراتی، احجار قیمتی، گچ، چونه، نفت و گاز، بیرایت، طلا، مس و غیره موجود است. استخراج معادن به سرمایه‌گذاری‌های درازمدت اولیه داخلی و خارجی احتیاج دارد. سرمایه‌داران داخلی و خارجی زمانی در سکتور معادن سرمایه‌گذاری می‌کنند که از نگاه حقوقی و قانونی و از حیث امنیت و مصونیت‌های لازمه خاطر جمع باشند. بدون استقرار سیستم سیاسی، اقتصادی و اجتماعی پاک، سالم، باظرفیت، فعال و کاردان هرگز زمینه‌های لازم برای سرمایه‌گذاری در معادن فراهم شده نمی‌تواند؛ چیزی که مردم کشور ما از آن محروم اند.

هرات به مثابه قطب اقتصادی، ترانزیتی و تجارتی افغانستان به مانند سایر حوزه‌های اقتصادی کشور از فساد سرسام‌آور اداری و دولتی، ناامنی، نبود زیربنای لازم اقتصادی، سردرگمی و ناپایداری سیاسی و اقتصادی و عدم پلان ستراتیژیک جامع و کارآمد در سطح ملی و محلی رنج می‌برد. رشد و انکشاف اقتصادی و اجتماعی در پرتو بهره‌وری از امکانات و ظرفیت‌های بالفعل و بالقوه این ولایت به فاکتورهای متذکره نیاز دارد و در پروسه رشد و توسعه درازمدت سالم، توجه به زراعت و مالداري، تجارت و ترانزیت و معادن و صنایع در بستر یک پلان ستراتیژیک علمی و عملی اهمیت بنیادی دارد.

پایان  
ثور ۱۳۹۲ شمسی